

بازتعریف عرصه میانه در مسکن آپارتمانی امروز*

کیمیا والیانی^۱، مهران قرائتی^۲، بهروز شهبازی^۳ (نویسنده مسئول)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۳۱

چکیده

انسان در طول دوره زندگی و در همه حال نیاز به ارتباط با محیط اطراف خود و انسان‌های دیگر دارد. دامنه این ارتباط در میان سه عرصه عمومی (خیابان)، میانه و خصوصی (خانه) گسترده شده است. عرصه میانه به مثابه فضای انتقال میان خانه و خیابان است که در محدوده‌های مسکونی، اتصال دهنده دو عرصه عمومی و خصوصی می‌باشد، به طوری که از مرز هر خانه در واحدهای مسکونی آغاز شده و تا محله و اتصال به فضای عمومی شهر گسترده می‌شود. امروزه به دلیل محدودیت‌های زندگی آپارتمانی، از جمله افزایش تراکم واحدهای مسکونی، فضاهای هر واحد مسکونی تقلیل پیدا کرده و عرصه‌های واسطی که به‌عنوان حلقه ارتباط دهنده درون و بیرون محسوب می‌شوند مبهم بوده و یا به فراموشی سپرده شده‌اند. این پژوهش با مطالعات کتابخانه‌ای و به روش کیفی درصدد بررسی عرصه میانه و کیفیت آن در مقیاس مسکن آپارتمانی است. از این رو ابتدا براساس ادبیات موضوع به بیان لزوم وجود عرصه میانه در عرصه‌های زیستی، اهمیت و تأثیر آن بر شکل‌گیری روابط فضایی و اجتماعی ساکنین واحدهای مسکونی پرداخته می‌شود. در ادامه مقایسه محدوده عرصه میانه‌ی خانه‌های سنتی و خانه‌های حیاطدار با الگوی رایج در آپارتمان‌های مسکونی نشان می‌دهد، محدوده عرصه میانه در مسکن آپارتمانی از پیوستگی لازم برخوردار نیست. از این رو عرصه میانه در سه بخش «رسمش به آپارتمان»، «رسمش به هر خانه» و «درون هر خانه» بازتعریف شده است. بازتعریف این بخش‌ها به همراه ارائه راهکارها نشان می‌دهد، پیوستگی فضایی و اجتماعی عرصه میانه موجب کاهش «خوی خیابانی» افراد و افزایش آرامش روانی در لحظه ورود به خانه خواهد شد. در واقع پیوند با حیاط اصلی، ایجاد فضاهای پویا و مرتبط با بیرون در دسترس طبقات (کوچه‌ای در ارتفاع) و الگوی حیاط میانی موجب پیوند فضایی، بصری و اجتماعی با درون خانه و بالعکس خواهد شد.

واژه‌های کلیدی:

درون و بیرون، عرصه میانه، مسکن آپارتمانی، سلسله مراتب.

۱. کارشناس ارشد معماری، دانشکده معماری، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران. Kimia.Valiani@gmail.com

۲. استادیار، دانشکده معماری، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران. Mehran.gharaati@mail.mcgill.ca

۳. مربی، دانشکده معماری، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران. B.shahbazi@aui.ac.ir

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری کیمیا والیانی با عنوان «طراحی آپارتمان در اصفهان، با نگاهی به بازتعریف مرز درون و بیرون» است که با راهنمایی دکتر مهران قرائتی و مهندس بهروز شهبازی در دانشگاه هنر اصفهان انجام شده است.

۱- مقدمه

زندگی شبکه وسیعی از ارتباط‌های متقابل است که انسان‌ها به آن متصل شده و به شرکت در آن فراخوانده شده‌اند (شاپگان، ۱۳۸۱، ۱۹۶). انسان موجودیت و هویت وجودی خود را همیشه در نسبت با خود و دیگران در می‌یابد. گویا انسان در حلقه‌ای از روابط میان خود و دیگران قرار گرفته که رابطه‌اش را با خود، خانواده، همسایه، افراد محله، همکاران و در نهایت مردم شهر برقرار می‌سازد. از این رو مسکن را نمی‌توان جدا از مجتمع و بستر آن مورد مطالعه قرارداد بلکه باید به عنوان بخشی از کل نظام اجتماعی و نظام فضایی که عرصه‌های زیستی را دربرمی‌گیرد مورد بررسی قرار گیرد (راپوپورت، ۱۳۸۸: ۱۱۳). عرصه‌های زیستی محدوده‌ای از عرصه عمومی شهر تا عرصه خصوصی خانه را در بر می‌گیرد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در عرصه‌های زیستی امروز، ارتباط یک واحد مسکونی با عرصه عمومی شهر مغشوش است و ارتباط تعریف شده‌ای میان درون و بیرون وجود ندارد. در واقع سرعت ساخت مسکن آپارتمانی موجب توجه کمتر به کیفیت فضاهای زندگی و فضاهای میانی و مفهوم «درون و بیرون» در واحدهای مسکونی شده است (عینی‌فر و علی‌نیای مطلق، ۱۳۹۳: ۵۵). حال آن‌که برقراری ارتباط میان فضای درون و بیرون، از جمله بخش‌های ضروری در طراحی سکونت‌گاه‌های بشری است که در قالب سلسله مراتب منطقی میان فضای درون و بیرون، شکل می‌گیرد. این ارتباط به واسطه تعریف «عرصه میانه» ایجاد می‌گردد (ساسانی و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۰). این عرصه به مثابه فضای انتقال میان خانه و خیابان است که در محدوده‌های مسکونی، اتصال دهنده دو عرصه عمومی و خصوصی می‌باشد. امروزه ساختمان‌ها از خیابان جدا هستند. پیوستگی و ارتباط میان آن‌ها کاهش یافته است و نوعی کمبود ارتباط میان ساکنین مشاهده می‌شود که منجر به گسست و جدایی ایشان از اجتماع می‌شود (Hanson, 2000). حذف عرصه میانه از جمله عواملی است که از عواقب آن به صورت غیر مستقیم می‌توان به از بین رفتن کیفیت محیط زندگی و ایجاد نارضایتی در میان ساکنین اشاره کرد (ساسانی و دیگران، ۱۳۵۹: ۷۰).

بیان لزوم وجود عرصه میانه، اهمیت و تأثیر آن بر شکل‌گیری روابط فضایی و اجتماعی ساکنین از جمله اهداف این پژوهش به شمار می‌آیند. از این رو نوشتار حاضر

می‌کوشد تا با نگاهی دوباره به عرصه میانه و باز تعریف آن در مقیاس «مسکن آپارتمانی» راهکارهایی جهت بهبود کیفیت فضاهای ارتباط دهنده میان درون و بیرون، برای پیوستگی آن با سایر عرصه‌های زیستی ارائه دهد.

۲- پیشینه پژوهش

دیدگاه‌های تعاملی در مکاتب روانشناسی بر این باورند که انسان با محیط ارتباط برقرار می‌نماید، در آن دخل و تصرف می‌کند و از آن تأثیر می‌پذیرد (عینی‌فر و آقائطی، ۱۳۹۰). ارتباط با محیط در عرصه‌های زیستی موجب رابطه انسان با خانواده در خانه و با همسایگان در محله و شهر می‌شود. در واقع عرصه‌بندی محیط‌های مسکونی، نیازمند سلسله مراتب فضایی، عملکردی، اجتماعی و ... است که با مفهوم «قلمرو» ارتباط ناگسستگی دارند (بحرینی، ۱۳۷۸).

قلمرو مکانی، فضای محدود شده‌ای است که افراد و گروه‌ها از آن به عنوان محدوده اختصاصی استفاده و دفاع می‌کنند. قلمرو با یک مکان هویت روانشناختی می‌یابد و با احساس مالکیت و ترکیب کالبدی به صورت نماد درمی‌آید (Pastalan, 1970: 88). از این رو قلمرو یکی از عوامل تأثیرگذار بر کیفیت مکان زندگی انسان‌ها و نحوه ارتباط ایشان با محیط مسکونی است.

مطابق جدول ۱ صاحب‌نظران روانشناسی محیطی و علوم رفتاری تقسیم‌بندی‌های متفاوتی برای عرصه‌های زیستی (قلمروها) در جامعه در نظر گرفته‌اند.

الکساندر و چرمایف (۱۳۷۶) در شش عرصه، سلسله مراتب فضاهای عمومی شهری، نیمه عمومی شهری، فضاهای عمومی یک گروه، فضاهای خصوصی یک گروه، فضاهای خصوصی یک خانواده و فضاهای خصوصی افراد را معرفی کرده‌اند. چنین تقسیم‌بندی را می‌توان به صورت کلی‌تر، یعنی فضاهای عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی معرفی نمود (بحرینی، ۱۳۷۸: ۲۱). در این راستا داگلاس پورتیوس به سه مقیاس فضایی در درون هم به نام‌های فضای شخصی (مقیاس اول)، فضای متکی به خانه (مقیاس دوم) و فضای در دسترس خانه (مقیاس آخر) اشاره می‌کند. آلتمن (۱۳۸۲) نیز مانند پورتیوس در سه مقیاس، اما در دسته‌بندی جامع‌تری به قلمرو اولیه، ثانویه و عمومی اشاره کرده است. حسین الشرکاوی چهارگونه قلمرو مکانی را تحت عنوان قلمرو

به صورت گذر و میدان، فضاهای نیمه خصوصی - نیمه عمومی به صورت یک بن بست اختصاصی یا یک هشتی که به چند خانه راه داشته است و فضای خصوصی که حیاط و عناصر در برگیرنده آن را شامل می‌شود. بدین ترتیب عرصه‌های زیستی به قلمرو یک محله، قلمرو چندین خانه و قلمرو یک خانه تقسیم‌بندی می‌شده‌اند (توسلی، ۱۳۶۹: ۶۸).

مطابق جدول ۱، صاحب‌نظران معماری توافق نظر دارند طیفی از عرصه‌های میانی در حد فاصل دو عرصه خصوصی و عمومی قرار گرفته‌اند. در دسته‌بندی ارائه شده توسط صاحب‌نظران، نام‌ها و محدوده اشاره شده به عرصه میانه کمی متفاوت و در برخی از آن‌ها مبهم است. براساس پژوهش عینی فر و آقالطیفی (۱۳۹۰) بخشی از دسته‌بندی‌های انجام شده برای تبیین مفهوم قلمرو، نظمی سلسله مراتبی دارند (مانند دسته‌بندی الکساندر و چرمایف، پورتیوس، بحرینی، نیومن) و بخشی دیگر بر اساس مفاهیم ادراکی محیطی مرتب شده‌اند (مانند دسته‌بندی آلتمن و الشراکوی). از این رو عرصه (قلمرو) میانی با توجه به ماهیت دسته‌بندی قلمروی اشاره شده، به عنوان اتصال دهنده دو عرصه خصوصی و عمومی تلقی می‌شود.

پیوسته (حباب فضایی متعلق به فرد)، مرکزی (فضاهای به شدت شخصی مانند اتاق و خانه)، حامی (فضاهای نیمه عمومی و نیمه خصوصی) و پیرامونی (فضاهای عمومی) معرفی می‌کند (لنگ، ۱۳۸۶: ۱۷۰). نیومن نیز در جریان نظریه فضای قابل دفاع خود، سلسله مراتب قلمرو فضایی را به صورت فضای خصوصی، نیمه عمومی و عمومی تعریف می‌کند (Newman, 1996: 58).

هرتزرگر (۱۳۸۸: ۱۲-۱۵) مالکیت قلمروها را به دو عرصه خصوصی و عمومی تقسیم می‌کند. وی مانند سایر صاحب‌نظران به قلمروهای میانی و نامگذاری خاص برای آن اشاره نمی‌کند اما معتقد است مفاهیم عمومی و خصوصی را می‌توان به طور نسبی به عنوان گستره ای کیفی از فضای معماری قلمداد کرد. با توجه به این که دسترسی فضا چگونه است، نگهداری و مسئولیت آن به عهده کیست و رابطه‌ای که آن فضا با مالکیت خصوصی یک فرد یا اداره جمعی یک گروه دارد، آن فضا در این گستره (بین عمومی و خصوصی) جای خود را می‌یابد، ممکن است بیشتر عمومی باشد یا بیشتر خصوصی. در شهرهای قدیمی ایران نیز سه نوع فضا با خصوصیات متفاوت قابل شناسایی است. فضاهای عمومی

جدول ۱: دسته‌بندی عرصه‌های زیستی

پژوهشگر	عمومی	میانه	خصوصی
الکساندر و چرمایف	عمومی شهر	عمومی یک گروه	خصوصی یک خانواده
داگلاس پورتیوس	فضای در دسترس خانه	فضای متکی به خانه	فضای شخصی
ایروین آلتمن	عمومی	ثانویه	اولیه
حسین الشراکوی	پیرامونی	حامی	مرکزی
اسکار نیومن	عمومی	نیمه عمومی	خصوصی
سید حسین بحرینی	عمومی	نیمه عمومی	خصوصی
محمود توسلی	محله ای	چند واحد مسکونی	یک واحد مسکونی
هرمن هرتزرگر	عمومی	بیشتر عمومی	خصوصی

بحث حد فاصل این دو عرصه است (توسلی، ۱۳۷۶: ۶۸) که نقش اتصال دهنده‌گی میان دو عرصه درونی و بیرونی را بر عهده دارد. در رابطه با فضای میان درون و بیرون، فضایی که نه داخلی و نه بیرونی است و به تعبیری دیگر نه خصوصی است نه عمومی، تعاریف مختلفی ارائه شده است.

محققان بسیاری از جمله اندرسون (۱۹۹۱)، گل (۱۹۹۶)، هیلیر و هانسون (۱۹۸۴)، استیونس (۲۰۰۷)،

در یکسوی طیف، فضای ذهنی انسان قرار دارد، که از همه پنهان است و در واقع خصوصی‌ترین فضای ممکن است، و در سوی دیگر این طیف فضاهای شلوغ و پرغوغای شهری است، که در معرض دید همه قرار دارد و عمومی‌ترین جای شهر است. در میان این دو انتها، فضاهای مختلف شهری واقع شده‌اند، که هرکدام درجه ای از عمومی بودن و خصوصی بودن دارند. (مدنی پور، ۱۳۸۷). در واقع مسئله قابل

۳- عرصه میانه

به طور کل عرصه‌های زندگی در بستر سکونت را می‌توان به سه عرصه خصوصی، میانه و عمومی تقسیم نمود. انسان نیاز به عرصه خصوصی دارد که برخی از نیازها مانند ابراز محبت، خلوت، و امکان استقلال فردی را برآورده سازد و در عین حال نیاز به حضور در عرصه عمومی دارد که مقبولیت خود را در آنجا کسب نماید و به محک بگذارد (مدنی، ۱۳۸۷: ۸-۷).

«عرصه میانه»، بخشی از بستر سکونت است که انسان را برای انتقال از خلوت و حریم شخصی خود به عرصه عمومی (محل بروز هیجانات اجتماعی) آماده می‌سازد. عرصه میانه از سویی کیفیت سکونت در عرصه خصوصی را دارد و از سویی دیگر، زمینه ارتباط با دیگران را در عرصه عمومی فراهم می‌آورد. در این صورت عرصه میانه، عرصه‌ای است که میان جهان بیرون و جهان درون خانه قرار دارد و به مثابه فضای انتقال میان خانه و خیابان است (ساسانی و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۱). در این پژوهش مقصود از فضای درون، فضای داخل مسکن و منظور از بیرون، فضای واقع شده در خارج از مسکن است.

عوامل زیادی در شکل‌گیری ارتباط درون و بیرون و کیفیت عرصه میانه مؤثرند. مطابق پژوهش‌های اخیر در این زمینه توسط عینی‌فر و علی‌نیای مطلق (۱۳۹۳) و ساسانی و دیگران (۱۳۹۵) این عوامل در سه دسته عوامل ادراکی - معنایی، عملکردی- رفتاری و کالبدی - محیطی دسته‌بندی می‌شوند. لازم به ذکر است در این پژوهش، با اولویت عوامل عملکردی- رفتاری به بررسی کیفیت عرصه میانه پرداخته می‌شود.

بر اساس تعریف عینی‌فر و علی‌نیای مطلق (۱۳۹۳: ۵۸)، عوامل عملکردی- رفتاری، ارتباط فضاهای درون و بیرون را بر اساس نظم سلسله مراتبی و قلمروهای عملکردی، سلسله مراتب دسترسی و سلسله مراتب فضایی شکل می‌دهند. به طوری که ساختار عملکردی فضا در بروز رفتارها در محیط مؤثرند و متقابلاً از رفتارها و پیش‌بینی وقوع آن‌ها تأثیر می‌پذیرند.

۴- محدوده عرصه میانه

ارتباط میان فضای درون و بیرون بر اساس عوامل عملکردی- رفتاری، در قالب سلسله مراتب منطقی ایجاد می‌گردد و محیط بیرون از خیابان عمومی و فضاهای

اسکیولند و گارلینگ (۱۹۹۷) و مایس (۱۳۸۴) درباره این موضوع به پژوهش پرداخته‌اند. آن‌ها از تعبیری چون فضای میانی، فضای حایل، مرز میان عمومی خصوصی، مابین، آستانه، لبه نرم، مفصل، زون واسطه در رابطه با این مقوله استفاده می‌کنند.

ساسانی و دیگران (۱۳۹۵) در پژوهش انجام شده در این رابطه معتقدند اصطلاح فضای میانی، رایج‌ترین تعبیر ارائه شده از فضای میان درون و بیرون می‌باشد. این فضا، عرصه «نیمه خصوصی - نیمه عمومی» می‌باشد که نه کاملاً عمومی و نه خصوصی است. مایس (۱۳۸۴: ۱۵۲) معتقد است هر نوع رابطه میان درون و بیرون، از دو نقطه مستقل آغاز می‌شود. این رابطه هم در بردارنده جدایی است و هم پیوند، یا به عبارت دیگر تمایز و انتقال، وقفه و تداوم، مرز و عبور از مرز را با خود دارد. آستانه‌ها و فضاهای انتقال به سهم خود حالت مکان می‌یابند. مکان‌هایی که در آن جهان واژگون می‌شود.

این مکان‌ها امکان ایجاد تبادل اجتماعی، فرهنگی و طبیعی را فراهم می‌سازند به گونه‌ای که در آن‌ها، پتانسیل‌ها و توانایی‌های پنهان متفاوتی قدرت تجلی می‌یابد (Grosz, 2001: 93).

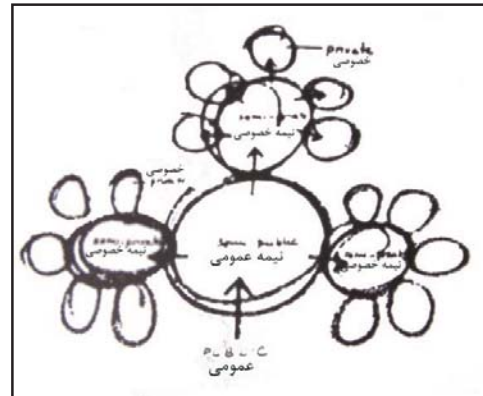
تبدیل خانه‌های گذشته به آپارتمان‌های امروزی، موجب تحول ویژگی‌های کالبدی، عملکردی و فضایی معماری مسکن و محیط‌های مسکونی شده است. گل (۱۳۸۷) بیان می‌کند نواحی مسکونی ساختار داخلی پراکنده و مرزهای غیر دقیقی دارند. واضح نیست که کجا به مسکن اختصاصی تعلق دارند و کجا ناحیه مسکونی پایان می‌پذیرد. در مسکن آپارتمانی امروز عرصه‌های میانه (نیمه خصوصی و نیمه عمومی) ناپدید شده‌اند. زندگی یا درون عرصه خصوصی (خانواده) و پنهان از اغیار می‌گذرد و یا به شتاب در میان عرصه‌های عمومی جریان دارد (قاسمی اصفهانی، ۱۳۸۳: ۳۲). به طور کلی این پژوهش از نظر هدف کاربردی بوده و به شیوه کیفیت انجام شده است. حال این پژوهش در جستجوی این پرسش است که «محدوده عرصه میانه در مسکن آپارتمانی چگونه تعریف می‌شود؟» و به دنبال آن «عرصه میانه چگونه می‌تواند موجب پیوستگی عرصه خصوصی (خانه) و عرصه عمومی (خیابان) شود؟»

۱۳۸۷: ۵۳-۵۲). ذکر این نکته ضروری است که گذار میان گونه‌های مختلف فضاهای اجتماعی باید بسیار آرام و روان باشد.

در گذشته سلسله مراتبی از فضای باز عمومی تا خصوصی در محلات مسکونی وجود داشت. فرد برای گذر کردن از فضای خانه و رسیدن به شهر مسافتی را طی می‌کرد؛ فضاهای دربند و کوچه‌های بن‌بست به عنوان فضاهای نیمه خصوصی نقش یک فضای واسط میان حیاط خصوصی منازل و فضاهای باز عمومی شهر را بازی می‌کردند (اشعری، ۱۳۹۰: ۷۵). در واقع می‌توان گفت در خانه‌های تاریخی مضامین و معانی مرتبط به خانه و تغییر قلمرو از بیرون به درون در فضا منعکس شده است. قلمرو نیمه عمومی - نیمه خصوصی متعلق به چندین همسایه در حد فاصل شهر تا خانه شکل می‌گیرد و دارای مصداق فضایی به صورت بن‌بست‌ها و دربندهاست. درگاه خانه‌ها، انعکاس فضایی انتظار بر درب خانه تا گشوده شدن آن و گفتگویی کوتاه با همسایه است (حائری‌مازندرانی، ۱۳۸۸: ۲۹ و منصوری ۱۳۸۹: ۴۲-۴۱). حال آنکه عرصه‌های حد واسط در مسکن امروز به فراموشی سپرده شده است به طوری که افراد به طور ناخواسته و بی‌واسطه وارد فضای شهر شده و درگیر یک تغییر مقیاس ناگهانی می‌شوند.

مطابق جدول ۲ سلسله مراتب فضاها از خیابان (عرصه عمومی) تا خانه (عرصه خصوصی) بر اساس تیپولوژی خانه‌های مسکونی در دوره‌های مختلف نشان داده شده است. مقایسه محدوده عرصه میانه، نشان می‌دهد سلسله مراتب فضایی و عملکردی در خانه‌های سنتی و حیاط دار معاصر از پیوستگی نسبی برخوردار بوده حال آن‌که در آپارتمان‌ها بخشی از محدوده عرصه میانه به واسطه آسانسور و راه پله دچار گسست شده و بخش دیگر آن پس از عبور از درون خانه شکل می‌گیرد.

همسایگی به مراتب خصوصی‌تر می‌شوند تا به داخل خانه برسند. به بیان الکساندر فضاهای بیرون از خانه نیز در ارتباط با هم، سلسله مراتبی از کوچک به بزرگ را تعریف می‌کنند. مردم در فضاهایی احساس آرامش و آسودگی خاطر دارند که به فضای کوچکتر و یک فضای بزرگتر متصل و مرتبط باشند (الکساندر، ۱۳۸۸: ۲۸۳-۲۸۲). ویژگی سلسله مراتبی فضاها در عرصه میانه با تفکیک قلمروها، در ساماندهی روابط اجتماعی مؤثر است (مدنی، ۱۳۸۷: ۳۸).



شکل ۱. سلسله مراتب سازمان‌دهی مسکن (Newman, 1974)

در شکل ۱ سلسله مراتب سازمان‌دهی مسکن به صورت فضاهای خصوصی، نیمه خصوصی، نیمه عمومی و عمومی نشان می‌دهد؛ ایجاد یک ساختار اجتماعی و ساختار کالبدی مربوط به آن با فضاهای اجتماعی در سطوح متفاوت، امکان حرکت و جابجایی از گروه‌ها و فضاهای کوچکتر به سمت گروه‌ها و فضاهای بزرگتر و از فضای خصوصی به طرف فضاهای اجتماعی‌تر را فراهم آورده و احساس امنیت بیشتر و حس تعلق قوی‌تری را به نواحی بیرون از مسکن‌های خصوصی می‌بخشد. ناحیه‌ای که یک فرد به عنوان محل سکونت و محیط مسکونی آن را درک و مشاهده می‌کند، می‌تواند فراتر از محل سکونت گسترش یابد، مثلاً والدین به بچه‌های خود اجازه دهند که در سنی زودتر از آن‌چه که معمول است، بیرون بازی کنند (گل،

الگوی واحدهای مسکونی	عمومی		میانه			خصوصی
	گذر	دریاند	درگاه	هشتی	حیاط	درون خانه
خانه سنتی						
خانه حیاط دار	خیابان	کوچه ورودی		حیاط		درون خانه
آپارتمان	خیابان	کوچه ورودی	آسانسور و راه پله			درون خانه ورودی واحد

شکل ۲. سلسله مراتب فضاها براساس تیپولوژی واحدهای مسکونی

میان عرصه خصوصی (خانه) و فضای ورودی هر واحد می‌باشد (مدنی و شفایی، ۱۳۹۲: ۱۶۰).

به طور کلی بی‌توجهی به فضا، فعالیت و شیوه زندگی در آپارتمان‌ها با حذف یا به حداقل رسانیدن فضای ورودی، مشاعیات، راه پله، پاگردها و ورود به خانه شروع می‌شود و تا درون خانه و بی‌توجهی به چشم‌انداز و نور و هوا ادامه می‌یابد (حائری مازندرانی، ۱۳۸۸: ۲۵). از این رو در نظر گرفتن سلسله مراتب، برای برقراری روابط اجتماعی و توجه به کیفیت فضاها در بازتعریف عرصه میانه‌ی مسکن آپارتمانی لازم است مورد توجه قرار بگیرد.

۵- عرصه میانه در مسکن آپارتمانی

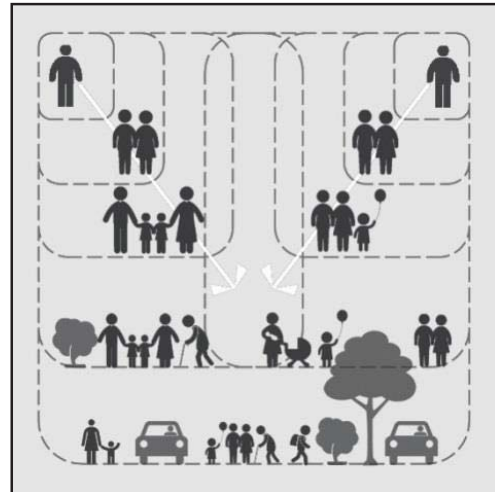
همانطور که اشاره شد، محدوده عرصه میانه در مقیاس آپارتمان دارای سلسله مراتبی از روابط اجتماعی، روابط فضایی و قلمروهای متفاوت است. این روابط باید به گونه‌ای با هم پیوند یابند که به صورت آرام و پیوسته در امتداد هم قرار گرفته و نیروی یکدیگر را تعدیل کرده و به تعادل برسند. همین امر موجب می‌شود افراد همچنان که عضوی از خانواده می‌باشند، عضوی از همسایگی و عضوی از افراد محله نیز محسوب شوند. انسان درون زنجیره‌ای از ارتباطات قرار گرفته که این ارتباط هنوز در عرصه‌ای تمام نشده در عرصه دیگر آغاز می‌گردد و همزمان رابطه افراد با خانواده، همسایه و محله مطرح می‌شود و زیستن تداوم این نوع ارتباط است (شکل ۲). روابط اجتماعی و فضایی که در عرصه میانه‌ی مسکن آپارتمانی اتفاق می‌افتند مکمل یکدیگر بوده و تأثیر متقابل بر کیفیت عرصه میانه دارند. در ادامه این نوشتار هر جا صحبت از عرصه میانه شد منظور عرصه میانه در مقیاس مسکن آپارتمانی است.

اگرچه در آپارتمان‌های مسکونی ورودی اصلی، راه پله و آسانسور که از کوچه یا خیابان به خانه متصل می‌شود، در سلسله مراتب فضاها عرصه میانه قرار می‌گیرد و فضایی نیمه خصوصی بوده و برای همسایگان مشترک است، اما کیفیت این فضاها به حد یک «منطقه بی‌طرف» تنزل کرده است. به عقیده مایس (۱۳۸۴: ۱۵۴) فضای مشاع داخل آپارتمان‌ها که عموماً از پله، راهرو و آسانسور تشکیل شده است به منطقه‌ای بی طرف بین درون و بیرون و بین عرصه خصوصی و عمومی تبدیل شده است. عبور از این فضاها مجموعه‌ای از قفل و مرز ایجاد کرده که خلیجی را بین خانه و خیابان، محله و شهر به وجود آورده است که نه به خانه تعلق دارند و نه به شهر، بلکه به حد یک «منطقه بی‌طرف» تنزل کرده است و به هیچ کس تعلق ندارد. همچنین گاهی یک نگرانی استخدام می‌کنند تا ازین گذر تاریک و بی‌هویت نگهداری و نگهداری کند.

از طرفی برای ورود به واحدهای مسکونی پس از عبور از پله‌ها، به علت اینکه در ورودی به واحدهای مسکونی در داخل پاگردها طراحی شده و عرض پاگرد بر اساس تفکیک فضا برای عبوری‌های پله و دسترسی به ورودی‌های واحدهای مسکونی پیش‌بینی نشده است، میان حریم فضایی مکث در مقابل ورودی خانه و حریم‌های عبوری پله تداخل ایجاد شده و باعث معشوش شدن این فضا شده است (حائری مازندرانی، ۱۳۸۸: ۱۶۲). امروزه برخی رفتارها مانند استقبال و بدرقه مهمانان، نگهداری کفش‌ها بیرون از خانه و مانند آن موجب مزاحمت برای همسایگان می‌گردد. به همین دلیل برای جلوگیری از تزاخم، نیاز به فضای واسطی

برای خلاصی از این خو و خستگی خیابانی بوده و سعی می‌کنند خود را غرق در آرامش و راحتی منزل کنند. طیف عرصه میانه باید همچون معبری بین خیابان تا خانه وجود داشته باشد که برای خلاصی از این خوی خیابانی به افراد کمک کند. معبر مذکور باید به نحوی باشد تا فشار عصبی و آشفتنگی روحی موجود در افراد را که از ویژگی‌های خوی خیابانی است از بین برده و محیط گرم و آرام خانه را نصیب وی کند (الکساندر، ۱۳۸۸: ۲۷۸).

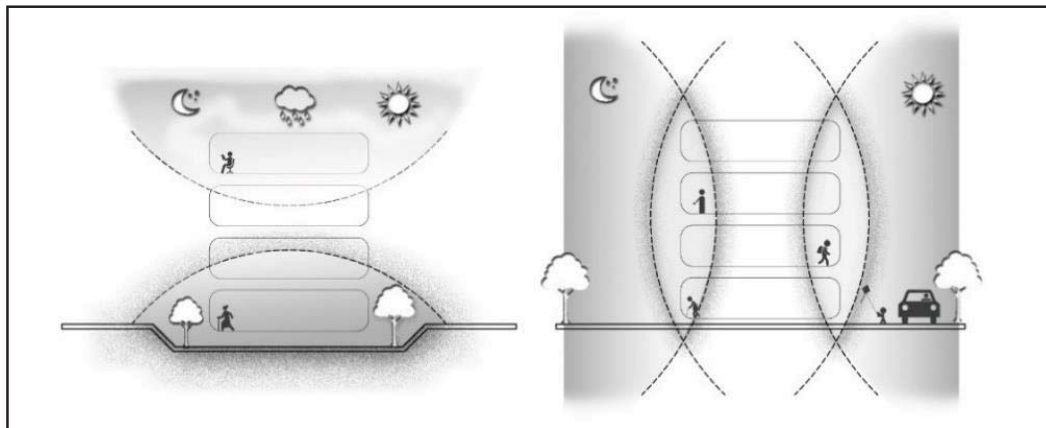
در شکل ۳ خیابان به عنوان عرصه عمومی و نقطه آغازین طیف نشان داده شده و با نزدیک شدن به کوچه و مسیر ورود به خانه از نیروی آن کاسته شده و ساختمان نیرویی متقابل وارد می‌نماید. این ارتباط و تبادل نیروها ادامه خواهد داشت تا به سر دیگر طیف که عرصه خصوصی می‌باشد پیوند یابد. تبادل نیروها سه بعدی است به گونه‌ای که علاوه بر تأثیر فضای خیابان و کوچه و عرصه خصوصی بر ساختمان، طبقات پایین ساختمان‌ها به واسطه نزدیک بودن به زمین پیوند بیشتری با زمین و خاک و درختان برقرار می‌کنند و به تدریج از میزان این پیوند کاسته شده و طبقات بالاتر با عناصر دیگر طبیعت همچون آسمان و ماه و ستاره پیوند می‌یابند (شکل ۳).



شکل ۳. زنجیره ارتباطات انسان

۵-۱- روابط فضایی در عرصه میانه

روابط فضایی در این بازتعریف، همچون طیفی در نظر گرفته شده که از فضاهای متعدد تشکیل شده و مرز فضاها در آن در هم تنیده شده است. این طیف خطی نیست و هر فضا و هر جزء از این طیف بر فضای دیگر تأثیر گذاشته و از دیگری تأثیر می‌گیرد. طیف عرصه میانه از خوی خیابانی به خوی خصوصی متمایل می‌شود. وقتی مردم در خیابان هستند نوعی «خوی خیابانی» می‌گیرند. ولی وقتی به سمت خانه خود می‌آیند، طبیعی است که در پی راهی



شکل ۴. ارتباط و تبادل نیروها در عرصه میانه

پنجره، ایوان و ... را تشکیل می‌دهند که موجب پیوند فضایی (ارتباط اجتماعی، بصری و ...) میان دو عرصه خواهند شد.

مهم‌ترین فضاهای انتقال در اتصال عرصه‌های مذکور ورودی‌ها هستند. تا جایی که گل (۱۳۸۷: ۹۰) نیز اشاره

براساس روابط فضایی می‌توان عرصه میانه را مطابق شکل ۴ در سه عرصه به نام‌های «رسش به آپارتمان»، «رسش به هر خانه» و «درون هر خانه» بازتعریف نمود. هر کدام از این عرصه‌ها به واسطه «فضاهای انتقال» به هم متصل می‌شوند. فضاهای انتقال عناصری را مانند ورودی،



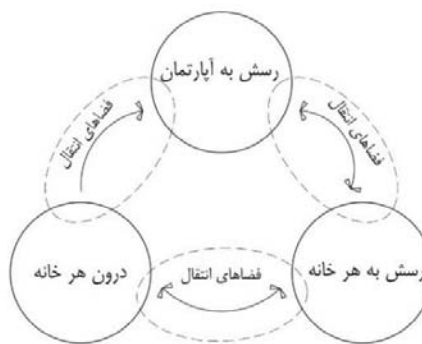
شکل ۶. اشکال متفاوت ارتباط (گل، ۱۳۸۷: ۹)

اگر فعالیت در عرصه میانه وجود نداشته باشد، قسمت پایین نمودار (روابط دیداری و شنیداری) حذف خواهد شد. اگر چه این ارتباطات کم اهمیت به نظر می‌رسند اما به عنوان ارتباط مستقل و به عنوان شرط لازم برای دیگر تعاملات پیچیده‌تر، بسیار با ارزش هستند. یعنی در واقع اشکال انتقالی ارتباط مابین دو حد تنهایی و با دیگران بودن ناپدید و مرز بین انزوا و ارتباط پررنگ‌تر خواهد شد. مردم یا در تنهایی به سر می‌روند و یا با دیگران در سطح بالایی از ارتباط قرار دارند.

ارتباط در عرصه میانه فرصتی است برای بودن با دیگران به روشی راحت و بی دردسر. ارتباط کم شدت (ضعیف)، موقعیتی است که از آنجا دیگر اشکال ارتباط می‌توانند رشد کنند. (گل، ۱۳۸۷: ۱۳-۹). مطابق شکل ۶ ارتباط اجتماعی از مرحله ریش به آپارتمان آغاز شده و تا جایی که طرفین تمایل داشته باشند، روابط می‌توانند به سمت سطوح بالاتر رشد پیدا کنند. به بیان گل (همان) ملاقات و حضور داشتن در فضایی مشابه، در هر یک از این شرایط، شرط لازم و اصلی است.

در فضاهای انتقال حداکثر ارتباطات اجتماعی می‌تواند اتفاق بیفتد. فضاهای انتقال مکان رویارویی گروه‌های مختلف سنی و اجتماعی است. کودکان تمایل به ارتباط با دنیای خارج و دوست‌یابی در میان همسالان خود (مثل کودکان همسایه) دارند و والدین نیز برای کنترل کودکان ناگزیرند در عرصه میانه حضور یابند و یا بر آن‌ها از درون خانه کنترل داشته باشند. از طرفی سالمندان نیز به دلیل کهولت سن و ناتوانی‌های جسمی از عرصه‌هایی استفاده می‌کنند که مناسب با شرایط فیزیکی آن‌ها باشد (مدنی، ۱۳۸۷: ۲۹).

می‌کند ورودی‌ها جاهایی هستند که حداکثر رویدادها آنجا اتفاق می‌افتند. لازم به ذکر است هرکدام از این عرصه‌ها بدون فضاهای انتقال دچار گسست شده و پیوستگی خود را از دست خواهد داد. از این رو این عرصه‌ها با فضاهای انتقال در این طیف می‌توانند به آرامی به هم تبدیل شوند. روابط از کوچه و ریش به آپارتمان (فضای انتقال اول) آغاز شده، سپس با مسیر و دسترسی به طبقات داخل آپارتمان و ورود به هر خانه (فضای انتقال دوم) ادامه می‌یابد. با ورود به درون هر خانه به وسیله عناصری چون در و پنجره و همچنین فضاهای نیمه‌باز مانند تراس (فضاهای انتقال)، ارتباط با بیرون به گونه‌ای دیگر دوباره آغاز می‌گردد (شکل ۴). کیفیت روابط فضایی در عرصه‌هایی که به آن‌ها اشاره شد با حضور افراد و روابط اجتماعی میان آن‌ها معنا می‌یابد. آن‌چنان که توجه به نیازهای فردی و اجتماعی است که سبب کیفیت بخشی به فضاهای زندگی می‌گردد (Durker & Gumpert, 1998).



شکل ۵. روابط فضایی در عرصه میانه

۲-۵- روابط اجتماعی در عرصه میانه

ارتباطات اجتماعی نیز همچون روابط فضایی در طیفی وسیع از شدت پایین تا بالا گسترده شده‌اند. ویژگی سلسله مراتبی فضاها در روابط اجتماعی و شدت ارتباط میان افراد بسیار مؤثر است. کلمات ساده «ارتباط دیداری و شنیداری» می‌تواند در رابطه با دیگر اشکال ارتباط و به عنوان بخشی از گستره فعالیت‌های اجتماعی، از فعالیت‌های بسیار ساده و غیر مشخص تا ارتباطات پیچیده و درگیری‌های احساسی مطرح گردد (گل، ۱۳۸۷: ۹) (شکل ۵).

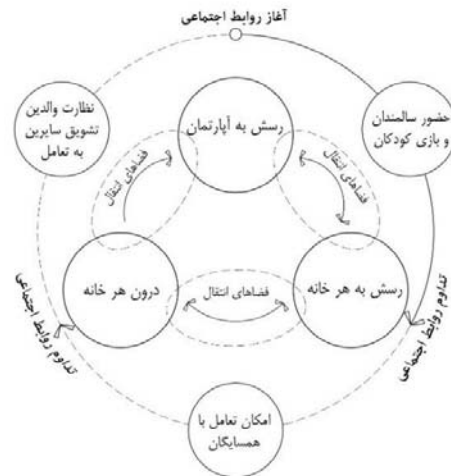
طرفی در مسیر رسیدن به آپارتمان آن چه حائز اهمیت است کاستن از خوی خیابانی افراد و نزدیک شدن به خوی خصوصی خانه است که با توجه به شرایط سایت و موقعیت قرارگیری آپارتمان‌ها و سواره و پیاده بودن افراد این مسیر می‌تواند کیفیت‌های متفاوتی داشته باشد و به روش‌های مختلف ایجاد شود. در نهایت بهتر است به مکانی تبدیل شود که مردم درنگ نکنند، کودکان بتوانند بازی کنند و افراد در صورت تمایل به تعامل اجتماعی بپردازند. درون هر خانه نیز به واسطه عناصر تشکیل دهنده‌اش (فضاهای انتقال) به صورت‌های متفاوت در ارتباط با عرصه میانه قرار می‌گیرد که بررسی آن پژوهش دیگری می‌طلبد.

ارائه راهکارها در مسیر رسیدن به هر خانه در سه بخش؛ «پیوند با حیاط اصلی»، «پیوند طبقات با کوچه یا حیاط اصلی» و «الگوی حیاط میانی» مورد بررسی قرار می‌گیرند. باید توجه داشت امکان بهره گرفتن از راهکارها در بازتعریف عرصه میانه در هر شرایطی متفاوت است. بر این اساس سعی شده است به راهکارهایی اشاره شود که کلی‌تر باشد.

۵-۳-۱- پیوند با حیاط اصلی

پس از وارد شدن به آپارتمان در مسیر رسیدن به هر خانه، «حیاط» به عنوان فضای باز باید مکانی برای مکث و تامل قرار بگیرد نه صرفاً مسیری برای عبور (الکساندر، ۱۳۹۰: ۹۳-۹۴). حیاطی را که از همه طرف به دیوار محدود است و هیچ ایوان یا فضای واسطی میان فضای داخل و خارج نداشته و تنها یک مدخل دارد، حیاطی مرده می‌داند که نیروها در آن با هم در تضادند و برعکس اگر حیاط منظری به فضای بزرگتر داشته باشد، راه دسترسی به اتاق‌های مختلفی از میان آن بگذرد و رواق یا ایوانی داشته باشد، این نیروها می‌توانند یکدیگر را تعدیل کنند. در چنین حالتی حیاط برای افراد مانوس و زنده می‌شود، جایی طبیعی می‌شود که باید به آنجا رفت و از آن استفاده کرد. براساس جهت دسترسی به آپارتمان‌های امروزی دو حالت پیش می‌آید. یا افراد ابتدا وارد حیاط می‌شوند که در این صورت بهتر است مسیری در نظر گرفته شود که از درختان و گل‌ها لذت برده و همچنین از فضای پارکینگ مجزا باشد، یا حیاط دیده نمی‌شود و در سمت دیگر ساختمان واقع شده است.

در این حالت دسترسی مناسب و داشتن دید به حیاط هنگام ورود حائز اهمیت است. افراد با دیدن حیاط یا درخت قاب شده از دور، در صورت دلخواه به سمت حیاط حرکت کرده در آن حضور پیدا می‌کنند، کودکان بازی می‌کنند و حیاط زنده می‌شود (شکل ۷).



شکل ۷. روابط اجتماعی در عرصه میانه

حضور افراد، میزان تعامل اجتماعی و روابط آن‌ها در عرصه میانه بر روابط کودکان نیز مؤثر است. گل (۱۳۸۷: ۱۸) اشاره می‌کند بچه‌ها در جایی می‌مانند و بازی می‌کنند که بیشترین فعالیت در جریان است. آن‌ها در فضاهایی که برای بازی آن‌ها در حیاط‌های پشتی خانه‌ها یا ضلع آفتابگیر ساختمان‌های چندطبقه طراحی شده و جایی که عبور و مرور یا مردمی وجود ندارد که بتوان به آن‌ها نگاه کرد، بازی نمی‌کنند.

این روابط در صورت تمایل افراد می‌توانند میان همسایگان یک آپارتمان نیز تداوم یابد (شکل ۶). از طرفی گل (۱۳۸۷) بیان می‌کند امکان گسترش خود به خودی رابطه و ارتباط نزدیک میان همسایگان وجود ندارد: «چیزی بیش از معماری برای گسترش چنین تعاملاتی لازم است ولی طراحی مساعد آن را تقویت خواهد کرد. برای فراتر از سطح رفتن روابط همسایگی چیزی مشترک باید وجود داشته باشد، پیش‌زمینه مشترک، علاقه مشترک یا مشکلات مشترک» (همان، ۴۷). از این رو روابط فضایی در عرصه میانه تا حدی موجب تقویت روابط اجتماعی و بالعکس وجود هر فرد و ارتباطش با دیگران (همسایگان محله، همسایگان آپارتمان، اعضای خانواده و خلوت شخصی) موجب به وجود آمدن سلسله مراتب و تنوع فضایی خواهد شد.

۵-۳-۲- ارائه راهکارها در «رسش به هر خانه»

همانطور که اشاره شد، گسست عرصه میانه بیشتر در قسمت رسش به هرخانه مورد نقد قرار گرفت. دلیل این امر تبدیل شدن آن به خلیجی است که پیوستگی و ارتباط درون و بیرون را از بین می‌برد. از این رو در این قسمت ارائه راهکارها و تحلیل‌های مربوطه در قسمت رسش به هر خانه (فضای انتقال دوم) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. از



شکل ۸. پیوند حیاط با طبقات - گذر از پل برای رسیدن به حیاط

است برای کیفیت بخشی به فضاهای دسترسی طبقات. در این پروژه پس از عبور از پله‌ها و آسانسور، راهروهای طبقات با شهر ارتباط دارند. عرض راهروها چنان است که می‌توان آن را امتداد فضای آپارتمان‌ها یا «خیابانی در ارتفاع» دانست (مایس، ۱۳۸۸: ۱۵۵).

از این رو پاگردهای طبقات خود می‌توانند به مثابه کوچه‌های در ارتفاع باشند که همچنان با فضای بیرون (کوچه و یا خیابان) و یا حیاط اصلی آپارتمان در تعاملند. در این حالت افراد در مسیر نزدیک شدن به در ورودی خانه خود هنوز با کوچه و جریان‌های آن در ارتباط هستند و هنگام خارج شدن نیز ابتدا کوچه را می‌بینند و یا اگر امکان ارتباط با کوچه نبود به واسطه دیدن و ارتباط با حیاط اصلی پیوند بصری برقرار شده و می‌توانند تغییرات آب و هوا را درک کنند. در صورت ابری یا بارانی بودن هوا نیز تجهیزات لازم را با خود به همراه می‌برند و از حوادث کوچه و خیابان قبل از وارد شدن به آن آگاهی می‌یابند. از طرفی پیوند طبقات با کوچه باعث می‌شود افراد نسبت به اتفاقات کوچه بی‌تفاوت نباشند و احساس امنیت نیز حاصل شود. با وجود پاگردهای این چنینی کودک نیز سرویس مدرسه خود را از دورتر دیده و به موقع برای سوار شدن حاضر می‌شود و دیگر نیازی نیست مادر تا در ورودی برای بدرقه کودکش او را همراهی کند.

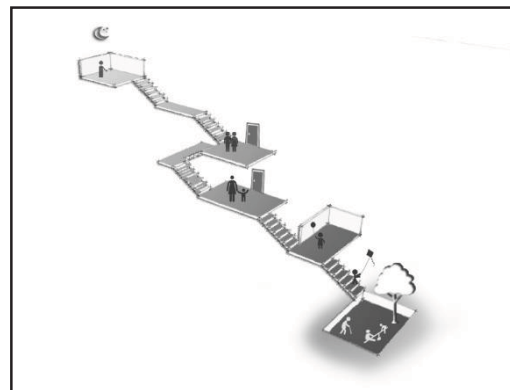
۳-۳-۵- الگوی حیاط میانی

همانطور که در بخش‌های قبل اشاره شد مقایسه سلسله مراتب رسیدن به خانه در خانه‌های سنتی و حیاطدار معاصر نشان از پیوستگی نسبی در محدوده عرصه میانه آن‌ها بود. به طوری که حیاط حد واسط عرصه درون خانه و بیرون (کوچه یا خیابان) قرار می‌گرفت. اما امروزه در آپارتمان‌های مسکونی مراتب رسیدن در عرصه میانه پس از عبور از

احاطه شدن حیاط توسط دیوارها، پایین در نظر گرفتن سطح حیاط نسبت به بقیه سطوح و ورودی غیر مستقیم به حیاط باهم به ایجاد حس درون بودگی و مکث در حیاط کمک می‌کند (نحوی، ۱۳۹۱: ۶۵). همچنین وجود فضاهای نیمه‌باز میان حیاط و فضاهای بسته این احساس را افزایش داده و فضاهایی را برای نشستن و لمس طبیعت از نزدیک ایجاد می‌نماید.

۵-۳-۲- پیوند طبقات با کوچه یا حیاط اصلی

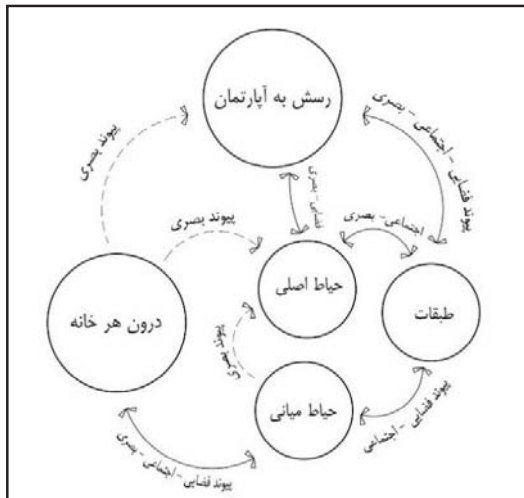
دسترسی طبقات و پله‌ها نیز بهتر است در ارتباط با فضای نیمه‌باز و باز قرار بگیرد. کیفیت راه پله و دسترسی طبقات باید به گونه‌ای باشد که افراد به خصوص در طبقات اول و دوم گاهی از پله‌ها عبور کنند، کودکان در فضاهای میانی آن به بازی بپردازند و جایی بی‌روح، تاریک و صرفاً برای عبور در نبود آسانسور نباشد (شکل ۸).



شکل ۹. نزدیک بودن طبقات اول و دوم به زمین و طبقات بالایی به آسمان

مجموعه مسکونی رابین هود گاردنز که توسط آلیسون و پیتراسمیتسون در سال ۱۹۷۰ در لندن ساخته شد نمونه‌ای

مقیاس مسکن آپارتمانی پرداخته شد. عرصه میانه به مثابه عرصه‌ای میان قلمرو عمومی و خصوصی است که ارتباط میان درون و بیرون را برقرار می‌سازد. این ارتباط در پژوهش حاضر براساس عوامل عملکردی- رفتاری شکل گرفته است. مقایسه محدوده عرصه میانه‌ی خانه‌های سنتی و خانه‌های حیاطدار با الگوی رایج در آپارتمان‌های مسکونی نشان می‌دهد، محدوده عرصه میانه در مسکن آپارتمانی از پیوستگی لازم برخوردار نیست. از این رو عرصه میانه در سه بخش «رزش به آپارتمان»، «رزش به هر خانه» و «درون هر خانه» بازتعریف شده است. بازتعریف این بخش‌ها به همراه ارائه راهکارها نشان می‌دهد، ایجاد پیوستگی در عرصه میانه تنها با سلسله مراتب روابط فضایی امکان‌پذیر نبوده بلکه فراهم شدن امکان ارتباط اجتماعی و تدوام آن به واسطه فضاهای انتقال در عرصه میانه به این امر کمک خواهد کرد. از طرفی ارائه راهکارها این امکان را برای طراحان فراهم می‌آورد که در طراحی مسکن آپارتمانی در جستجوی پیوند عرصه میانه با شهر و درون خانه باشند تا تدوام سکونت و پیوند درون و بیرون برقرار شود.



شکل ۱۰. بازتعریف عرصه میانه در مسکن آپارتمانی امروز

خیابان، کوچه و پاگرد طبقات، منقطع شده و پس از وارد شدن به درون خانه، فضای نیمه‌باز (بالکن) در ادامه محدوده عرصه میانه قرار می‌گیرد.

بر این اساس می‌توان از الگویی سخن گفت که به پیوستگی عرصه میانه کمک کند. در این الگو پس از قرار گرفتن در فضای میان طبقات (کوچه‌ای در ارتفاع)، افراد ابتدا وارد حیاط شده و سپس وارد فضای اصلی خانه می‌شوند. در واقع این «حیاط میانی» به عنوان فضای انتقال و عرصه واسط میان درون (فضای داخل خانه) و بیرون (فضای میان طبقات) نقش ایفا می‌کند و عملکردهای متفاوتی از قبیل بدرقه و استقبال مهمان، بازی کودکان همسایه، تعامل مادران و امکان نظارت بر آن‌ها در آن اتفاق می‌افتد. وجود این حیاط‌ها در طبقات اول و دوم به دلیل نزدیک بودن به سطح زمین و ارتباط با حیاط اصلی مجموعه مناسب است. اما در طبقات بالاتر ارتباط با زمین کمتر شده و ارتباط با آسمان اتفاق می‌افتد.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

مطابق شکل ۹ بررسی راهکارهای ارائه شده در بخش رزش به هر خانه، نشان می‌دهد با ورود به آپارتمان و حرکت در بین طبقات ارتباط با کوچه تدوام یافته و همین امر امکان حضور سالمندان و بازی کودکان را در این بخش افزایش می‌دهد. از طرفی اگر امکان ارتباط پاگردهای طبقات با حیاط اصلی فراهم شود، این فضاها از منظر و کیفیت نوری مناسب‌تری نسبت به الگوی رایج آپارتمان‌ها برخوردار خواهند شد. قرار گرفتن حیاط میانی در حد فاصل پاگرد طبقات و درون خانه نیز علاوه بر تدوام و پیوستگی فضایی عرصه میانه امکان ارتباط بصری با حیاط اصلی را فراهم می‌کند. به طور کل ارتباط میان بخش‌های عرصه میانه با وجود فضاهای انتقال در جهت تدوام ارتباط فضایی، اجتماعی و بصری ادامه می‌یابد.

در این پژوهش به بررسی عرصه میانه و کیفیت آن در

فهرست منابع:

- آلتمن، اروین (۱۳۸۲). محیط و رفتار اجتماعی، خلوت، فضای شخصی، قلمرو، ازدحام. ترجمه: علی نمازیان، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- اشعری، زهره (۱۳۹۰). نقش فراموش شده حیاط، مجله معماری و فرهنگ، جلد ۴۸، صص. ۷۴-۸۰.
- الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۱). معماری و راز جاودانگی راه بی‌زمان ساختن ترجمه: مهرداد قیومی بیدهندی با مقدمه دکتر مهدی حجت، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۸). الگوهای استاندارد در معماری، ترجمه: فرشید حسینی. تهران، مهران.
- بحرینی، سیدحسین و گلناز، تاج‌بخش (۱۳۷۸). مفهوم قلمرو در فضاهای شهری و نقش طراحی شهری خودی در تحقق آن، نشریه هنرهای زیبا، جلد ۶، صص. ۱۸-۳۱.
- توسلی، محمود (۱۳۶۹). اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران، جلد اول، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی، وزارت مسکن و شهرسازی.

- چرمایف، سرچ و کریستوفر، الکساندر (۱۳۷۶). عرصه‌های زندگی جمعی و زندگی خصوصی، ترجمه: منوچهر مزینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حائری مازندرانی، محمدرضا (۱۳۸۸). خانه فرهنگ طبیعت، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- رایوپورت، آموس (۱۳۸۸). انسان‌شناسی مسکن، ترجمه: خسرو افضلیان، تهران، حرفه هنرمند.
- ساسانی، مژگان؛ عینی‌فر، علیرضا و ذبیحی، حسین (۱۳۹۵). تحلیل رابطه بین کیفیت فضای میانی و کیفیت‌های انسانی - محیطی، مورد پژوهی: مجتمع‌های مسکونی شهر شیراز، نشریه هنرهای زیبا، ۲۱، صص. ۶۹-۸۰.
- شایگان، داریوش (۱۳۸۱). افسون‌زدگی جدید: هویت چهل تکه و تفکر بسیار، ترجمه: فاطمه ولیانی. تهران، نشر فروزان روز. چاپ سوم.
- عینی‌فر، علیرضا (۱۳۷۹). عوامل انسانی - محیطی مؤثر در طراحی مجموعه‌های مسکونی، نشریه هنرهای زیبا، ۸، صص. ۱۰۹-۱۱۷.
- عینی‌فر، علیرضا و علی‌نای مطلق، ایوب (۱۳۹۳). تبیین مفهوم بیرون و درون در فضاهای مابین مسکن آپارتمانی، نشریه هنرهای زیبا، ۱۹، صص. ۵۵-۶۶.
- عینی‌فر، علیرضا و آقالطیفی، آزاده (۱۳۹۰). مفهوم قلمرو در مجموعه‌های مسکونی، مطالعه مقایسه‌ای دو مجموعه مسکونی در سطح و در ارتفاع در تهران، نشریه هنرهای زیبا ۴۷، صص. ۱۷-۲۸.
- قاسمی اصفهانی، مروارید (۱۳۸۳). اهل کجا هستیم؟ (هویت بخشی به بافت‌های مسکونی). تهران: انتشارات روزنه.
- گل، یان (۱۳۸۷). زندگی در فضای میان ساختمان‌ها، ترجمه: شیما شصتی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- لنگ، جان (۱۳۸۶). آفرینش نظریه معماری، ترجمه: علیرضا عینی‌فر، تهران: دانشگاه تهران.
- مایس، پی‌یر فن (۱۳۸۴). عناصر معماری از صورت تا مکان، ترجمه: فرزین فردانش. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- مدنی، رامین (۱۳۸۷). مسکن حداقل در اکوسیستم سکونت، بر مبنای جبران‌سازی در عرصه میانه، پایان‌نامه دکتری معماری، دانشگاه شهید بهشتی.
- مدنی، رامین و شفایی، مینو (۱۳۹۲). راهکارهای طراحی عرصه میانه با رویکرد جبران‌سازی مسکن حداقل در ایران. معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۱۱، صص. ۱۵۳-۱۶۵.
- مدنی‌پور، علی (۱۳۸۷). فضاهای عمومی و خصوصی شهر، ترجمه: فرشاد نوریان، تهران: انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- منصوری، علی (۱۳۸۹). حجاب و پوشیدگی در شهرسازی ایرانی - اسلامی نمونه پژوهش میدانی: بافت قدیم شهر شیراز، مسکن و محیط روستا، ۱۳۲، صص. ۳۸-۴۹.
- نحوی، نوید (۱۳۹۱). شناخت حریم و بررسی کیفیت ظهور آن در معماری ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر اصفهان.
- هرتزبرگر، هرمن (۱۳۸۸). درس‌هایی برای دانشجویان معماری، ترجمه: بهمن میرهاشمی و بهروز خبازبهشتی. تهران: آراد.
- Anderson S. (1991). On Streets: Based on a Project of the Institute for Architecture and Urban Studies, Mass, MIT press, Cambridge.
- Drucker S. & Gumpert G. (1998). Public Spaces and the Right of Association, Free Speech Yearbook, Vol. 36, pp. 25-44.
- Grosz E. (2001). Architecture from the Outside: Essays on Virtual and Real Space, MIT Press, London, Cambridge.
- Hanson J. (2000). Urban Transformations: A History of Design Ideas, Urban Design International, Vol. 5, pp. 92-122.
- Norberg SC. (1974). Meaning in Western Architecture, New York, Rizzoli.
- Newman O. (1972). Defensible Spaces, London: Macmillan Publishing Co, Inc.
- Pastalan L. (1970). Privacy as an Expression of Human Territoriality, in leon A. Pastalan, Daniel H. Carson, Eds, Spatial Behavior of Older People.